
مبانی مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا در قرآن با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

سید علی اصغر علوی^۱

چکیده

امید در ادبیات رهبر معظم انقلاب کلمه‌ای پربسامد است. در متن بیانیه گام دوم، توصیه نخستین، توصیه به امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. این امید که البته امیدی صادق است و تبیین آن در آینه آموزه‌های وحیانی ضروری می‌نماید، مدیریتی را به دنبال خواهد داشت که برای مدیران سودمند است. با عنایت به این مطلب که قرآن در رهبری حکیمانه رهبر معظم انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد بایست در قرآن دلایل این امید را جست. سنت‌ها یا همان قانون‌های خدا در قرآن زمینه‌ای برای ایجاد این امید صادق ایجاد می‌کند و پشتوانه‌هایی برای مدیریت امیدمحور خلق می‌نماید. تحقیق حاضر درصدد است با روش تحلیلی توصیفی نسبت بین سنت‌ها و کیفیت ایجاد امید به آینده را در مدیران بیابد و این باور مبنایی را در مدیریت تبیین نماید. از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش فهم نسبت بین آموزه‌هایی مانند سنت‌ها در قرآن و رفتار مدیران و خصوصاً تصمیم‌های آنها است که محوری‌ترین جلوه آن مدیریت امیدمحور و نگاه خوش‌بینانه به آینده است.

واژگان کلیدی: مبانی مدیریت، مدیریت امید محور، مدیریت در قرآن، بیانیه گام دوم

انقلاب، سنت‌های الهی

۱. قرآن پژوه سطح چهار مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب modirekarbala313@chmail.ir

مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب که به مثابه منشوری برای دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است و فصل جدیدی را در زندگی جمهوری اسلامی گشوده است. در متن بیانیه گام دوم، توصیه نخستین، توصیه به امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. این امید که البته امیدی صادق است و تبیین آن در آینه آموزه‌های وحیانی ضروری می‌نماید، مدیریت را به دنبال خواهد داشت که برای مدیران سودمند است. با عنایت به این مطلب که قرآن در رهبری حکیمانه رهبر معظم انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد بایست در قرآن دلایل این امید را جست. سنت‌ها یا همان قانون‌های خدا در قرآن زمینه‌ای برای ایجاد این امید صادق ایجاد می‌کند و پشتوانه‌هایی برای مدیریت امیدمحور خلق می‌نماید.

۱. بیان اهمیت و ضرورت

بیانیه گام دوم انقلاب را از مهم‌ترین اسناد بالادستی تفکر انقلابی باید دانست. متنی که باید برای همه قابل توجه باشد و خود را به آگاهی و عمل نسبت به آن ملزم بدانند. این آگاهی هر قدر عمیق تر باشد عمل به آن هم جدی تر خواهد شد. این بیانیه برای همه حرفه‌های تازه‌ای دارد اما خواص و خصوصاً مدیران باید خود را بیش از همگان مخاطب این سند راهبردی بدانند که از رهبری حکیم صادر شده است و آنها باید هم خود واقف بر مضامین و مبانی آن باشند و هم دیگران را به آن هدایت و تشویق نمایند. از این منظر مهمترین توصیه این متن یعنی دعوت به امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده شأن تازه‌ای برای مدیران خواهد داشت. آنها باید به خوبی ریشه‌های این توصیه را دریافت کنند تا هم خود عامل باشند و هم هادی دیگران. این پژوهش تلاشی برای توجه دادن به مبانی این مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا در قرآن است.

۲. جنبه نوآوری تحقیق

درباره بیانیه گام دوم انقلاب کارهای گوناگون ارزشمندی صورت گرفته است. برخی

پژوهشها به شرح تک تک عبارتهای آن پرداخته اند. برخی مقالات به تعدادی از پشتوانه نظری آن توجه داشته است، اما توجه به محوری‌ترین توصیه بیانیه گام دوم و تبیین مبانی آن از منظر مدیریت برای مدیران رده‌های مختلف افق ناگشوده‌ای است که این تحقیق سعی دارد بر اساس سنت‌های خدا در قرآن به آن بپردازد.

۳. روش تحقیق و شیوه گردآوری داده‌ها

تحقیق حاضر درصدد است با روش تحلیلی توصیفی نسبت بین سنت‌ها و کیفیت ایجاد امید به آینده را در مدیران بیابد و این باور مبانی را در مدیریت تبیین نماید. به این منظور سعی نموده به تعریف سنن الهی و بیان انواع آن بپردازد و نسبت آن را با مفهوم امید از میان آیات مختلفی که به قوانین الهی اشاره دارد تبیین نماید و به تجزیه و تحلیل آنها بپردازد.

۴. بیان خلاصه‌ای از ساختار و چهارچوب مقاله

پیش از هرچیز باید درباره بیانیه گام دوم دانست. در مرحله بعد جایگاه امید در بیانیه گام دوم و اندیشه رهبر معظم انقلاب تبیین شود. بعد از این دو مرحله باید سراغ از ریشه تفکر این رهبر قرآنی در آینه آیات قرآن داشت و قوانین حاکم بر عالم که خدا در قرآن از آن به سنتها یاد می‌کند شناخت. آن وقت است که بهتر می‌توان نسبت سنتهای خدا را با امید درک نمود. با این تمهیدات می‌توان از مدیریت امیدمحور و مبانی آن بر اساس سنتهای خدا در قرآن سخن گفت. آنچه که این تحقیق به امید خدا در سیر خود به آن خواهد رسید.

۵. پیشینه

در بررسی‌های انجام شده با کلیدواژه «بیانیه گام دوم» به پژوهش‌های مختلفی می‌توان رسید که هریک از منظری و رویکردی به بیانیه گام دوم پرداخته‌اند. (بیش از ۱۸۵ مقاله) و چند کتاب مانند:

گام تمدن ساز (بسط بیانیه گام دوم انقلاب با تکیه بر اسناد بین‌المللی)، راجی، سید محمدحسین و دیگران، قم، نشر معارف، ۱۳۹۸.

کتاب کار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مشرقی، محسن، عقیقی، فاطمه، تهران، موسسه علمی آینده‌سازان، ۱۳۹۸.

اما با محدودسازی جستجو با کلیدواژه «امید» به مقاله‌ای در نشریه پژوهش و مطالعات اسلامی (شهریور ۱۴۰۰، سال سوم، شماره ۲۶، ص ۵۵ - ۶۷) با عنوان «مصادیق قرآنی اقدامات کفار و منافقین در مایوس سازی مؤمنین با رویکرد به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» (تابش و دیگران، ۱۴۰۰) می‌توان رسید.

در مورد رویکرد مدیریتی به بیانیه گام دوم هم به مقاله‌ای در نشریه حکومت اسلامی (بهار ۱۳۹۹، شماره ۹۵، ص ۱۱۳ - ۱۳۴) با عنوان «اصول و مؤلفه‌های نظام سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» (موسی زاده، ۱۳۹۹) می‌توان اشاره کرد.

درباره مفهوم «سنن الهی» نیز مقالاتی یافت شد (حدوداً ۱۰ مقاله) که بیشتر به بحث قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر (سعادت و شقاوت جامعه، فتنه و ایمان، استدراج، قرآن و کتاب مبین) در نشریه پاسدار اسلام (محمدی گیلانی، ۱۳۶۳ - ۱۳۶۶) پرداخته است. حدوداً ۱۰ کتاب هم در مورد سنن الهی در قرآن کار شده است که در مقاله مورد استفاده قرار گرفته و در بخش منابع معرفی شده‌اند. در مورد نسبت مبانی مدیریت و بحث امید آن هم با رویکرد قرآنی و بر اساس سنت‌های خدا مقاله‌ای یافت نشد.

۱. بیانیه گام دوم انقلاب و امید

یک، بیانیه گام دوم انقلاب

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن

پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) هست» نزدیک خواهد کرد.

دو) امید در بیانیه گام دوم انقلاب

بر اساس متن بیانیه گام دوم انقلاب امید، کلید اساسی همه قفل‌ها است و بدون آن نمی‌توان گامی برداشت: «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت.» (بیانیه گام دوم انقلاب) البته این امید می‌تواند امیدی صادق باشد یا کاذب: «آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومی‌بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ،

برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگردد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.» (همان)

سه) امید در اندیشه رهبر معظم انقلاب

امید بیت الغزل همیشگی بیانات رهبر معظم انقلاب بوده است تا آنجا که امید را بزرگترین قوه محرکه معرفی نموده‌اند: «عزیزان من! امید بزرگترین قوه محرکه انسان است. امید به پیروزی، امید به پیشرفت و امید به موفقیت، هر انسانی را به حرکت وادار می‌کند. اگر شما بخواهید هر انسان فعال و سرزنده و شادابی از حرکت بیفتد، کافی است او را نا امید کنید، اگر ناامید کردید، دست‌های فعال او سست خواهد شد؛ زانوان فعال و استوار به لرزه خواهد افتاد...» (مشرقی، ۱۳۹۸، ۱۲۳)

در جابه‌جای صحبت‌های ایشان می‌توان ردپای این مضمون حرکت‌آفرین و حیاتی را دید: «... خدای متعال بر ما منت گذاشت و کسی مثل امام را بر ما گماشت و ایشان با وجود و حرکت خود، آن احساس را که احساس امید به آینده است، در ما تقویت کرد. من خدا را شاکرم که حتی برای یک لحظه هم، امید خود را در همین عرصه پر دغدغه از دست نداده‌ام. اگر تلاشی می‌کنم، حرفی بر زبان می‌آورم و دست به اقدام می‌میزنم، همه ناشی از آن امید است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۸) «... البته باید به خدای متعال توکل کرد و به آینده

خوش بین بود؛ که من حقیقتاً به آینده خوش‌بینم و خیلی از افقها را خوب و روشن میبینم.»
(همان، ۲۲)

چهار) سنت‌های خدا در قرآن و امیدآفرینی

از منظر قرآن و دیدگاه اسلام، تحولات اجتماعی به خصوص به اعتبار نگاه تاریخی، همگی قانونمند، قابل کشف و شناسایی، تعریف شده، دارای روند و بر اساس ضوابط و قواعد مشخصی شکل میگیرند و هرچند ممکن است چنین تغییر و تحولات و حوادثی در ظاهر، تک پاره، گسسته یا غیر مرتبط با یکدیگر به نظر برسند اما در واقع ارتباط و نظامی عمیق، وثیق، منطقی و حکیمانه بین حوادث و تحولات وجود دارد، به گونه‌ای که هیچ خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌شود. کشف یک چنین نظام مندی و قاعده مندی از طریق چند کلیدواژه در قرآن به دست می‌آید که مهم‌ترین آنها «سنت» است. (علی اکبری، ۱۳۹۸، ۳۶)

در بیانیه گام دوم دعوت به امیدهای صادق است. یکی از منابعی که می‌تواند روح امید را در انسان و خصوصاً مدیران زنده نماید توجه به این آموزه‌های وحیانی است. قرآن سرشار از چنین مطالبی است که توجه به آن امیدبخش است. سنت‌های الهی یا همان قوانین نظام‌مند عالم خلقت از جمله این آموزه‌هاست. رهبر معظم انقلاب، بدون توجه به شخصیت سیاسی ایشان، دارای قدرت تحلیلی بسیار ویژه‌ای هستند که آشنایی ایشان با قرآن کریم و تاریخ اسلام موجب شده است قدرت تحلیل معظم له بیشتر نمایان شود و همچنین از دیگران متمایز شوند، زیرا طلاب فراوانی هستند که به مقامات بالای اجتهاد رسیده‌اند اما به صورت کامل به قرآن نپرداخته‌اند.

الف) سنت‌های خدا: اصرار بر شناخت قانونمندی تاریخ

قرآن از یک سو به شناخت کتاب پر اسرار طبیعت و قوانین حاکم بر جهان خلقت فرا می‌خواند (عنکبوت: ۱۹-۲۰، زمر: ۲۱، نور: ۴۳-۴۷، بقره: ۱۶۴) و از دگر سو به انسان اصرار می‌ورزد تا حوادث تاریخی، اتفاقات و رخدادها، تحولات و دگرگونی‌ها، فرازها و نشیب‌ها،

اوج‌ها و حسیضها را به دقت مطالعه کند تا ضمن عبرت آموزی، برای خودسازی و ساختن دیگران، علل پیشرفت و انحطاط ملت‌ها و رشد و شکوفایی یا پسرفت و فروپاشی آنها را کشف کند و با کشف دلایل و عوامل ظهور و افول سلسله‌ها و چگونگی تکوین و فروپاشی قدرت‌ها، و کنکاش در راز و رمز حیات و مرگ تمدن‌ها و بروز جنبش‌ها و دگرگونی‌ها و انقلابات اجتماعی، قوانین حاکم بر تاریخ و سنن الهی را در سیر جامعه‌ها بنگرد. (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳، ۷۸) قرآن برای این اندیشه ترغیب می‌کند که رهروان راه آن، دوران‌های گذشته را به دنیای معاصر، و جهان معاصر را با تاریخ گذشته پیوند دهند و پیوند نسل حاضر را با نسل‌های گذشته اش برای درک حقایق و دریافت واقعیت‌ها ضروری بدانند، چرا که از ارتباط و گره خوردن دنیای گذشته و معاصر است که رسالت ما در ساختن تاریخ فردا و نیز مسئولیت نسل‌های آینده روشن می‌شود. (همان، ۷۹)

ب) اهمیت کشف سنت‌های تاریخ در قرآن

قرآن با این فکر که حوادث خود صورت می‌گیرد به شدت مقابله می‌کند و به کشف قواعد این عالم دعوت می‌نماید.

«انسان‌های معمولی حوادث تاریخی را توده‌ای از اتفاقات نامربوط می‌دانند که بر حسب تصادف یا بر اساس قضا و قدر یا بر مبنای قدرت خدا و لزوم تسلیم در برابر امر او شکل گرفته و تفسیر و توجیه می‌گردد. قرآن با این فکر به شدت مقاومت کرده، هیچ حادثه‌ای را بی جهت یا از روی اعمال قدرت، لزوم تسلیم در برابر آن توجیه نمی‌کند، بلکه برعکس عقل بشر را هشدار می‌دهد که در این زمینه، سنن و قوانینی حاکم است و برای اینکه انسان بتواند در سرنوشت خود حاکم شود لازم است این سنت‌ها و قوانین را بشناسند و برای اینکه بتواند در این قوانین نفوذ کند باید شناخت نسبت به آنها داشته باشند، در غیر این صورت هر چند شما چشم بسته باشید آن قوانین در شما حکومت خواهد کرد شما چشمانتان را باز کنید این قوانین و سنت‌ها را ببینید تا شما در این حاکم کردید نه اینکه آنها در شما اثر بگذارند.» (صدر، ۱۳۸۰، ۷۹)

ج) سیر علمی و اندیشمندانه در زمین و زمان

قرآن بارها به صورت جدی به سیر و سیاحت در زمین و زمان دعوت می‌کند هم سیر محققانه برای شناخت قوانین طبیعی، هم برای شناخت سنن حاکم بر جامعه و تاریخ و عبرت آموختن از آن و فرا گرفتن تجربیات پیشین. (کریمی فریدنی، ۱۳۸۳، ۷۹) لازمه این دعوت، ثابت بودن قوانین حاکم بر جامعه است. قرآن در آیات متعددی روی مساله تغییر ناپذیر بودن این قوانین الهی تکیه کرده است. این قوانین ثابت و لایتغیر عالم تکوین و تشریح که قرآن از آنها به سنت‌های الهی تعبیر کرده هرگز دگرگونی در آنها راه ندارد، این قوانین همان گونه که بر گذشته حاکم بوده بر امروز و فردا نیز حاکم است، مجازات مستکبران بی‌ایمان هنگامی که اندرزهای الهی سود نبخشد، همچنین یاری رهروان راه حق به هنگامی که دست از تلاش مخلصانه بر ندارند از این سنت‌ها است و هر دو در گذشته و امروز تغییر ناپذیر بوده و هست. سنت‌های الهی نه به کلی عوض می‌شود، و نه حتی کم و زیاد و ضعیف و شدید می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۸، ۲۹۷)

د) قانونمندی حرکت جامعه و تاریخ

از دیدگاه اسلام حرکت تاریخ، حرکتی است خردمندانه و بر اساس ضوابط و قوانین و بر روند جامعه‌ها، مقررات و سنت‌هایی حکومت می‌کند که جاودانه، تخلف ناپذیر و جهان‌شمول هستند. این قانون‌مداری تاریخ و نظام حاکم بر مسیر جامعه‌ها، در کران تا کران قرآن و بیانات پیشوایان نور، با واژه‌های مختلف، قالب‌ها و چارچوب‌های خاص و جمله‌های ویژه وارد شده و نشانگر این حقیقت حیاتی است که هرگز ترقی و تکامل یا انحطاط و سقوط ملت‌ها و امت‌ها بی‌دلیل نیست و هرگز بر تاریخ بشر تصادف و اتفاق فرمان نمی‌راند و شانس و اقبال آن را نمی‌سازد بلکه جامعه نیز همچون فرد برای خود مقررات و سنن و ضوابط ویژه خود را دارد و این ضوابط و قانونمندی حاکم بر سیر جامعه و تاریخ همان سنت‌های جهان‌شمول و خلل ناپذیر است.

آیات بیانگر این حقیقت بزرگ و چند دسته قابل تقسیم است:

آیاتی که در قالب واژه خاص سنت و سنن، این قانونمندی را صریح و گویا بیان می‌کند «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران/۱۳۷) پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت؛ (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند؛ که شما نیز، همانند آن را دارید.) پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟!

«سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (الفتح/۲۳) این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت!

«وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا * اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأُولِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر/۴۲ - ۴۳) آنان با نهایت تأکید به خدا سوگند خوردند که اگر پیامبری اندازکننده به سراغشان آید، هدایت یافته‌ترین امتها خواهند بود؛ اما چون پیامبری برای آنان آمد، جز فرار و فاصله‌گرفتن از (حق) چیزی بر آنها نیفزود! اینها همه بخاطر استکبار در زمین و نیرنگهای بدشان بود؛ اما این نیرنگها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد؛ آیا آنها چیزی جز سنت پیشینیان و (عذابهای دردناک آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا» (فاطر/۴۴) آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همانها که از اینان قویتر (و نیرومندتر) بودند؛ نه چیزی در آسمانها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ او دانا و تواناست!

آیاتی که موضوع قانونمند بودن سیر جامعه تاریخ را به شکل سر بسته و کلی که «برای روند تاریخ و حرکت جامعه ضوابط و قوانین و نظام ویژه وجود دارد» موضوع را طرح می‌کند:

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (الأعراف/ ۳۴) برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است؛ و هنگامی که سرآمد آنها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند، و نه بر آن پیشی می‌گیرند.

«وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ* مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ» (الحجر/ ۴ - ۵) ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییر ناپذیری) داشتند! هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد؛ و از آن عقب نخواهد افتاد!

«وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا» (الإسراء/ ۵۸) هیچ شهر و آبادی نیست مگر اینکه آن را پیش از روز قیامت هلاک می‌کنیم؛ یا (اگر گناهکارند،) به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت؛ این، در کتاب الهی [= لوح محفوظ] ثبت است.

آیاتی که در چهره قضیه شرطیه آمده اند:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (الأعراف/ ۹۶) و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

«وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ» (هود/ ۳) و اینکه: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید؛ سپس بسوی او بازگردید؛ تا شما را تا مدت معینی، (از مواهب زندگی این جهان،) به خوبی بهره‌مند سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد!

و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم!

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/ ۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار

می دارد.

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (الجن/۱۶) و اینکه اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم!

«عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» (الإسراء/۸)

امید است پروردگارتان به شما رحم کند! هرگاه برگردید، ما هم باز می‌گردیم؛ و جهنم را برای کافران، زندان سختی قرار دادیم.

این آیات نشانگر این واقعیت است که اگر جامعه و تمدنی به دست خود، خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا از روی ناآگاهی شرط یا مقدمه هر کدام از این قضایای شرطیه را فراهم ساخت، ظهور جزا و نتیجه، قطعی و تخلف ناپذیر است

آیاتی که ضمن بیان گزیده‌های درس آموز و عبرت انگیز از سرگذشت پیامبران و جامعه‌های گذشته و پس از بیان عملکرد ظالمانه و تبه‌کاران حکومت‌های استبداد گر و گروه‌های طغیانگر و حق ستیز به این حقیقت تصریح می‌کند که جریان سنن و فرود عذاب یا کیفر طبیعی عملکرد آنها، ثمره تلخ ظلم و استبداد و بیدادگری آنهاست:

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تَسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ * وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَثْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ» (القصص/۵۸ - ۵۹) و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم این خانه‌های آنهاست (که ویران شده)، و بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد؛ و ما وارث آنان بودیم و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی‌کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند.

«وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ * فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ * لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ * قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا ظَالِمُونَ»

كُنَّا ظَالِمِينَ* فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ» (الأنبياء/ ۱۱- ۱۵) چه بسیار آبادیهای ستمگری را در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم. هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند (گفتیم: فرار نکنید؛ و به زندگی پر ناز و نعمت، و به مسکنهای پر زرق و برقتان بازگردید، شاید (سائلان بیابند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید) گفتند: «ای وای بر ما! به یقین ما ستمگر بودیم» و همچنان این سخن را تکرار می‌کردند، تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم.

«ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ* كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ» (المرسلات/ ۱۷- ۱۸) سپس دیگر (مجرمان) را به دنبال آنها می‌فرستیم! (آری) این گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم.

«لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جِئَتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ* فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِم سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ* ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم وَبَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَىٰ ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ* فَقَالُوا رَبِّ

نَا بَاعِدْ بَيْنَ أَشْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَيَجْعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَرَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (سبأ/ ۱۵- ۱۹) برای قوم «سبأ» در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان؛ و به آنها گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)، اما آنها (از خدا) روی‌گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دو باغ (پربرکت) شان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم. این کیفر را بخاطر کفرانشان به آنها دادیم؛ و آیا جز کفران‌کننده را کیفر می‌دهیم؟! و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم: شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید. ولی

(این ناسپاس مردم) گفتند: «پروردگارا! میان سفرهای ما دوری بیفکن» (تا بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند و به این طریق) آنها به خویشتن ستم کردند و ما آنان را داستانهایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیتشان را متلاشی ساختیم؛ در این ماجرا، نشانه‌های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است.

آیاتی که به جهانگردی و سیاحت هدفدار و مطالعه تاریخ و اقوام و ملل گذشته تشویق و تحریک می‌کند

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا» (محمد/۱۰) آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! خداوند آنها را هلاک کرد؛ و برای کافران امثال این مجازاتها خواهد بود!

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ وَّاقٍ» (غافر/۲۱) آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟! آنها در قدرت و ایجاد آثار مهم در زمین از اینها برتر بودند؛ ولی خداوند ایشان را به گناهانشان گرفت، و در برابر عذاب او مدافعی نداشتند!

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (الروم/۹) آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبران‌شان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می‌کردند!

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ* إِنَّ فِي

ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ» (ق/ ۳۶- ۳۷) چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم، اقوامی که از آنان قویتر بودند و شهرها (و کشورها) را گشودند؛ آیا راه فراری (از عذاب الهی) وجود دارد؟ در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرادهد در حالی که حاضر باشد.

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ* حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّى مَنْ نَشَاءُ وَلَا يَرِدُ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ* لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (يوسف/ ۱۱۱) و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آنها وحی می‌کردیم! آیا (مخالفتان دعوت تو،) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید؟! (پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آنها به مخالفت خود همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که رسولان مأیوس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است؛ در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند؛ و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی‌شود. در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! اینها داستان دروغین نبود؛ بلکه (وحی آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد؛ و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند!

آیاتی که فرجام خوش و دل‌انگیز نجات و پیروزی را در برابر خودکامگان و انحصارگران به صورت یک اصل قطعی بیان می‌کند:

«إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر/ ۵۱) ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به

پا می خیزند یاری می دهیم!

«كَتَبَ اللَّهُ لِأَعْلَبِ بْنِ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (المجادلة/۲۱) خداوند چنین مقرر داشته

که من و رسولانم پیروز می شویم؛ چرا که خداوند قوی و شکست ناپذیر است!

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ»

(الصافات/۱۷۱ - ۱۷۳) وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده... که

آنان یاری شدگانند، و لشکر ما پیروزند!

آیاتی که در قالبها و صورت‌های مختلف از جمله بعضی مثال‌های روشنگر به ترسیم

واقعیت سنن پرداختند:

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ

فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُ مَثَلٍ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ

جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (الرعد/۱۷) خداوند

از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل

بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آنچه (در کوره‌ها،) برای به دست آوردن زینت آلات یا

وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می‌آید - خداوند،

حق و باطل را چنین مثل می‌زند - اما کفها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود

می‌رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند؛ خداوند اینچنین مثال می‌زند.

۲. مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا با تأکید بر بیانیه گام دوم

بر اساس توجه به سنت‌های خدای متعال در قرآن می‌توان به رهیافتی از مدیریت

امیدمحور دست یافت. منظری که بیانیه گام دوم ما را به توجه و عنایت به آن دعوت و

هدایت می‌کند. کسی که نسبت‌های عالم را به‌خوبی بشناسد، به این حقیقت که پیوند

کار مدیریتی از آغاز تا پایان و در طی اجرای آن با معنویت و تدبیر از اصلی‌ترین

شاخصه‌های کار مدیریتی متعهد و موفق است، پی خواهد برد. التزام مدیران به ارزش‌های

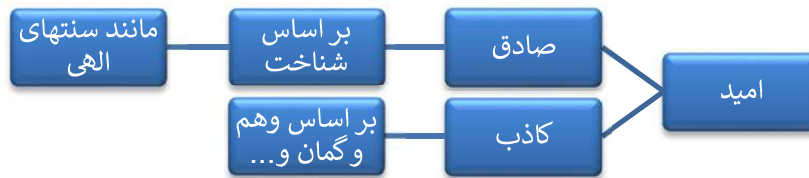
اسلامی و تقویت و ارتقای سطح معنوی در خود و مجموعه‌های خویش از عواملی است که

در نتیجه بخش بودن فعالیت‌های فرهنگی بسیار اثرگذار است. به همین جهت، ضروری است مدیران این نکات را مدنظر داشته باشند و هم در خود و هم در مجموعه‌ها و اعضا نهادینه کنند. این امر مستلزم آن است که نسبت معنویت، انس با خدا و خصوصاً قرآن با مباحث دانش مدیریت را بفهمند تا بتوانند در کسب آن تلاش نمایند. کوتاه‌سخن آنکه یک مدیر لازم است نسبت‌ها را بشناسد و از آن مهم‌تر به فهم نسبت‌ها و کشف روابط بین آن‌ها اهتمام ورزد. اگر مدیران بتوانند نسبت‌ها و معادلات عالم را بشناسند، کارهای خود را از حالت تکاثری و حجمی خارج می‌کنند و به‌سوی کارهایی کوثری و فزاینده می‌روند. فهم نسبت‌ها آثار سلبی و ایجابی دارد. اثر سلبی آن سبب کاهش فرسایش و رفع موانع در کارهای فرهنگی می‌شود. اثر مثبت و ایجابی فهم نسبت‌ها باعث هم‌افزایی در مجموعه‌ها می‌شود. (علوی، ۱۳۹۸، ۵۱)

چگونه می‌توان بر اساس سنت‌های خدا در قرآن به این رویکرد مدیریتی دست پیدا کرد؟ مبانی آن کدام است؟ این منظر در متن بیانیه گام دوم نیاز به توجه و تحقیق دارد و کمتر به این مطلب پرداخته شده است.

نقش سنت‌ها در ایجاد امید

امید می‌تواند برخاسته از شناخت باشد یا توهم. امیدی قابل اعتنا است و می‌تواند حرکت مستمر و عمیقی ایجاد کند که مبتنی بر شناخت باشد. سنت‌ها را به عنوان یک منبع ارزشمند شناخت باید دانست؛ منبعی که به مدیر توان مانور بیشتری در اقداماتش خواهد داد. شناخت سنت‌ها به عنوان قانونهای خدا در جهان می‌تواند درک دقیقی از عالم را به انسان بدهد. اگر مدیری بر اساس شناخت درست از قوانین خدا حرکت کرد حرکتی ماندگار و با ثبات خواهد داشت و درگیر نگرانیهای بی‌مورد نخواهد شد؛ چرا که با فهم درست قواعد جهان می‌تواند تصمیمهای درستی را بگیرد و همین شناخت او را به یک پختگی در تدابیر خواهد رساند.



شکل ۱: سنت‌های الهی به عنوان منبعی برای شناخت و زمینه‌ای برای ایجاد امید صادق

۳. مبانی مدیریت امیدمحور بر اساس سنت‌های خدا در قرآن

شناخت سنت‌های گوناگون الهی (مطلق و مقید) و توجه به شروط هرکدام به مدیر توان شناخت و همچنین توان تصمیم مقتضی را خواهد داد. برای همین ضروری است سنن الهی در قرآن را به همراه نمونه‌هایی از آن مورد بررسی قرار داد تا بتوان بر اساس آن شناخت به نگرشی توحیدی نسبت به عالم دست یافت. سنت‌هایی که برخی مطلقند و برخی مقید: یک) تقسیم بندی سنن از منظر مطلق و مقید و ذکر نمونه‌هایی از آن

الف) سنن مطلق

سنن مطلق آن دسته که متوقف بر چیزی نیستند، بدون استثنا شامل همه می‌شوند، برای همیشه هستند و محکوم نمی‌گردند. سنت‌های مطلق نقش عوامل هدایت را در زندگی انسان مختار دارند، مانند سنت آفرینش به وجه احسن (سجده/۷)، سنت هدایت تکوینی

(طه/۵۰)، سنت قضا و قدر (توبه/۵۱)، سرعت تبشیر و انذار (فاطر/۲۴)، سنت سنخیت میان مرسل و مرسله علیه (اسراء/۹۵)، سنت نفی حرج (مائده/۶)، سنت نفی ظلم از طرف خداوند (آل عمران/۱۰۸)، سنت عمل و عکس العمل (انعام/۱۶۴)، سنت دفاع از حق و سرکوبی باطل (انبیاء/۱۶۴)، سنت استعدادها (اعراف/۵۸)، سنت حفظ کتاب آسمانی قرآن (حجر/۹)، سنت مرگ و اجل و عدم تاخیر و تقدیم آن (یونس/۴۹)، سنت اختلاف در درجات (اسراء/۲۱)، سنت آزمایش و امتحان (عنکبوت/۲-۳)

ب) سنن مقید

سنن مقید برخلاف سنن مطلق، تحقق آنها بر مقدماتی متوقف است که فراهم ساختن مقدمات در اختیار انسان می‌باشد. این سنن گاه حاکم هستند و گاه محکوم. سنن مقید را با ایمان و عدم آن، به دو دسته سنن مربوط به مؤمنین و سنن مربوط به گمراهان و کافران می‌توان تقسیم نمود.

ج) سنن مربوط به مؤمنین

اجزای آن‌ها بر ایمان مترتب می‌شود که ایمان شامل صبر، تقوا، اصلاح طلبی، نیکوکاری و... می‌باشد. مانند خدا کسانی را که دارای زمینه هدایت باشند هدایت می‌کند (انفال/۲۲ - ۲۳، محمد/۱۷)، خدا سرپرست مؤمنان و صلحان و خداترسان است (اعراف/۱۹۶، آل عمران/۶۸) شیطان بر بندگان خالص خدا سلطه‌ای ندارد (حجر/۴۲)، خدا بندگان مخلص اش را از سو و فحشا دور می‌دارد (یوسف/۲۴)، خدا بردباران را دوست دارد (انفال/۴۶)، بر دشمنان غلبه می‌دهد (حج/۳۸)، کفار را بر مؤمنین سبیلی نیست (نساء/۱۴۱)، سلطه خداپرستان در جهان (قصص/۵) و...

البته شکی نیست که موارد ذکر شده بعضاً در همدیگر تلاقی دارند و خلاصه تمام آنها این است که کسی که ایمان به خدا داشته باشد خدا در دنیا و آخرت ناصر اوست و خدا در صورت وفای به عهد از طرف مردم به عهد خود وفا می‌کند. وفای به عهد خداوند عبارت

است از اعطا و توفیق و هدایت و حمایت و دفاع در دنیا و متمرکز ساختن از بهشت و نعمتهای آن.

د) سنن مربوط به گمراهان و کافران

این سنن بر خلاف سنن مؤمنین، در صورت عدم ایمان و تقوا پیش می‌آید. مانند: سنت امهال یا استدراج (آل عمران / ۶۸)، ست عدم هدایت کافران و فاسقان (صف / ۵، نساء / ۱۵۵) و... (قانع، ۱۳۷۹، ۱۰۵-۱۰۸)

دو) نشانه‌ها و ویژگی‌های اطمینان‌آفرین و امیدبخش در سنت‌ها

با نگرش در آیات قرآن می‌توان برای سنت‌های الهی نشانه‌ها و ویژگی‌هایی را بر شمرد که برای مدیر، تولید مبنایی خواهد کرد که بر اساس آن امیدوارانه حرکت کند مانند:

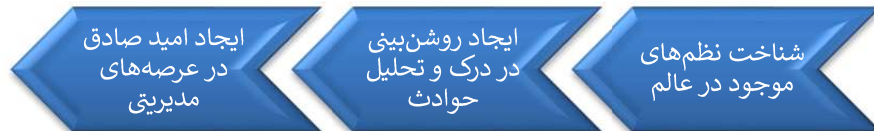
جدول ۱: نشانه‌ها و ویژگیهای سنت‌های اجتماعی در قرآن (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳، ۱۰۶

- ۲۱۵، حامد مقدم، ۱۳۷۹، ۱۴-۱۷)

آیات ناظر	نشانه‌ها و ویژگیهای سنت‌های اجتماعی
احزاب: ۶۲، جن: ۱۶، مائده: ۶۶، اعراف: ۹۶، هود: ۳، محمد: ۷	عمومیت و جهان شمولی سنت‌ها
احزاب: ۶۲، فتح: ۲۱-۲۳، غافر: ۸۲-۸۵، احزاب: ۳۸، احزاب: ۶۰-۶۲	استمرار و دوام سنت‌ها
اعراف: ۳۴، مؤمنون: ۴۳، حج: ۴۵-۴۸، رعد: ۳۲، بقره: ۸۰، بقره: ۲۱۴، محمد: ۱۰، غافر: ۲۱، روم: ۹، ق: ۳۶-۳۷، مریم: ۷۴، غافر: ۸۲-۸۵، محمد: ۱۳، فجر: ۴-۱۵	تخلف ناپذیری سنت‌ها
فتح: ۲۳، فاطر: ۴۳، احزاب: ۶۲، انعام: ۳۶، یونس: ۶۲-۶۴، کهف: ۲۷	تبدیل ناپذیری سنت‌ها
فاطر: ۴۳، اسراء: ۷۷	تحویل ناپذیری سنت‌ها
انعام: ۱۶۴، نجم: ۵۳، نجم: ۳۹، فاطر: ۳۵، فاطر:	زمینه اجتماعی سنت‌ها

۱۹، زلزال: ۷- ۸، مریم: ۹۵، جاثیه: ۲۸- ۲۹	
احزاب: ۳۸، احزاب: ۶۹، غافر: ۸۵، فتح: ۲۳، فاطر: ۴۳، اسراء: ۷۶، آل عمران: ۱۳۷، نساء: ۱۲۶، انفال: ۳۸، حج: ۱۳، کهف: ۵۵	الهی بودن سنت‌ها
نحل: ۱۱۲، ابراهیم: ۵- ۷، طه: ۱۲۴- ۱۲۹، نمل: ۴۸- ۵۳، انبیاء: ۱۱- ۱۵، کهف: ۵۹	این جهانی بودن سنت‌ها
انفال: ۲۵	سرنوشت مشترک در جریان سنت‌ها
اعراف: ۳۴، فاطر: ۴۵، نحل: ۶۱، طه: ۱۲۴- ۱۲۹، کهف: ۵۸- ۵۹، حجر: ۴، اسراء: ۵۸، آل عمران: ۱۴۰	سررسید و موعد مقرر در سنت‌های اجتماعی

سنت‌های الهی دارای ویژگی‌هایی مانند استمرار، تکرارپذیری، تخلف ناپذیری، عام و عمومیت داشتن است. به عبارتی سنت‌ها به عنوان یک رویه و امری جاری، همیشه و در همه جا جواب می‌دهند و جابجا یا کم و زیاد نمی‌شوند و قابل تبدیل و تغییر و تحویل نیستند. سنت‌ها همان روش‌ها، راه‌ها و شیوه‌هایی هستند که خداوند متعال برای اداره جهان و هدایت موجودات و از جمله انسان به سوی کمال و در قالب نظم و نظامی مشخص تعیین فرموده است، به گونه‌ای که حاکم بر زندگی انسان‌ها و موجودات می‌باشند. (علی اکبری، ۱۳۹۸، ۴۱) شناخت نظم‌های موجود در عالم و در نتیجه بهره مندی از آن قواعد باعث ایجاد روشن بینی در درک و تحلیل حوادث خواهد شد و در نتیجه سبب ایجاد امیدهایی صادق در عرصه‌های مدیریتی مدیران خواهد شد.



شکل ۲: فرایند امیدآفرینی سنت‌ها

۴. اثر شناخت سنن الهی بر تصمیم‌های مدیر

توجه به سنت‌های مطلق و مقید خداوند در قرآن و اشراف بر آنها شناخت دقیقی از جریان مؤمنین و کافران خواهد داد، خصوصاً توجه به سنت‌های خاصی که ناظر به جبهه مؤمنین است؛ اینکه اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد خدا در دنیا و آخرت ناصر اوست و خدا در صورت وفای به عهد از طرف مردم به عهد خود وفا می‌کند. سنت استخلاف، سنت هدایت، سنت اضلال، سنت ابتلا و آزمایش، سنت امداد، سنت تغییر و عدم تغییر، سنت امدادهای الهی سنت‌هایی است که یک مدیر الهی به واسطه انس با آموزه‌های قرآن در مواجهه با آن و عنایت به مطلق یا مقید بودن آن و نوع عمل و عکس‌العمل آن به تشخیص و تصمیم مقتضی آن دست می‌زند. به عنوان نمونه توجه به سنت امدادهای الهی یک زمینه برای ایجاد امید به حرکت و خوش‌بینی به عالم است. مدیریت مرسوم با همه محاسبات و معادلاتش باز هم خود را محدود می‌داند، برای همین به‌ناچار قدرت مانور محدودی دارد؛ برخلاف مدیران الهی که به پشتوانه کلام نورانی خدای متعال پشتوانه نامحدودی دارند و به پشت‌گرمی امدادهای ویژه خدا به پیش می‌روند. (علوی، ۱۳۹۸، ۸۷)

«وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ

أَنْ يَمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ * بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ * وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل عمران / ۱۲۳ - ۱۲۶) خداوند شما را در بدر یاری کرد و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت؛ درحالی‌که شما نسبت به آن‌ها ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر نکنید) تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟! آری، امروز هم اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! ولی این‌ها را خداوند فقط بشارت و برای اطمینان خاطر شما قرار داده وگرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است!

در جهان بینی الهی زندگی انسان‌ها با جهان فرشتگان مرتبط است و امدادهای غیبی را در میدان‌های کارزار نباید فراموش کرد. بر این اساس از سویی یکی از وظایف مدیر و رهبر الهی، امیدوار کردن و توجه دادن مردم به امدادهای غیبی است و از سویی دیگر امید به لطف خداوند برای همه اعضا ضروری است. در این جهان بینی و شناخت نورانی، تمام مقدمات مادی، علمی، روانی و انسانی، بدون اراده خداوند کاری از پیش نمی‌برند و امدادهای الهی سرنوشت جنگ را معین می‌کند، نه عوامل طبیعی. ملائکه به فرمان خداوند در خدمت مؤمنان قرار می‌گیرند. استقامت و تقوا، عامل نزول فرشتگان و امدادهای غیبی است و از همه این‌ها مهم‌تر دانستن اینکه امدادهای الهی، اختصاص به زمان پیامبر ندارد، مایه دلگرمی بیشتر و اقدام قوی‌تر است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۵۹۹ - ۶۰۲) انسان به عنوان موجودی سراپا فقر، همواره به دنبال ملجأ و پناهگاهی برای خود می‌باشد؛ مددهای الهی به عنوان عاملی فراتر از اسباب مادی، نور امید و خوش بینی را در فرد ایجاد نموده و شوق به ادامه راه را در افراد افزایش می‌دهد. از سویی دیگر علم و اطمینان به این امداد از جهت

روانشناسی اجتماعی باعث ایجاد شادابی و تلاش بیشتر خواهد شد و نیز باعث ایجاد شجاعت در حرکت‌های بزرگ اجتماعی و اعتماد به نفس در هنگام سختیها خواهد شد. (مرادخانی تهرانی، ۱۳۹۴، ۲۹۰)

البتة و صدالبتة باید یادآور شد نیروهای ذخیره به یاری انسان‌های سست و تنبل نمی‌آیند و با تلاش انسان‌های مؤمن فعال می‌شود (جن: ۱۶) برای اینکه همه قوانین عالم با ما همراه بشود، اراده خدای متعال در جهت پیشرفت ما قرار بگیرد، باید خدایی بود و حرکت کرد: «اگر برای خدا بودیم و نیت کردیم و تصمیم گرفتیم و حرکت نمودیم، خدای متعال اراده‌اش را در جهت پیشرفت ما قرار خواهد داد و آن وقت همه قوانین عالم با ما همراه خواهد شد. بدون این، ما مثل گروه دیگری از مردم دنیا خواهیم بود. وقتی انسانی با خدا نیست و برای خدا کار نمی‌کند، حالا اسمش ایرانی باشد، جای دیگری باشد، اسمش مسلمان باشد، غیرمسلمان باشد، چه تفاوتی می‌کند؟ چه تضمینی هست که اگر کسی فرضاً یک اعتقاد دینی هم به اسلام دارد و چند عمل عبادی را هم انجام می‌دهد، این عزت اسلامی هم با او باشد؛ کما اینکه دیدیم قرن‌ها گذشت و عزت اسلامی با ما نبود.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۲/۲۱)

نتیجه‌گیری

توجه به سنت‌های مطلق و مقید خداوند در قرآن و اشراف بر آنها شناخت دقیقی از جریان مؤمنین و کافران خواهد داد؛ خصوصاً توجه به سنت‌های خاصی که ناظر به جبهه مؤمنین است. سنت‌هایی مانند سنت استخلاف، سنت هدایت، سنت اضلال، سنت ابتلا و آزمایش، سنت امداد، سنت تغییر و عدم تغییر، سنت امدادهای الهی سنت‌هایی است که یک مدیر الهی به واسطه انس با آموزه‌های قرآن در مواجهه با آن و عنایت به مطلق یا مقید بودن آن و نوع عمل و عکس العمل آن به تشخیص و تصمیم مقتضی آن دست می‌زند. توجه به سنت‌های الهی از این منظر زمینه‌ای برای ایجاد امید به حرکت و خوش بینی به عالم ایجاد می‌کند. شناختی که به واسطه فهم سنت‌های الهی اتفاق می‌افتد

تکلیف رهبر و پیروان را در مقابل حوادث گوناگون روشن‌تر می‌کند و تحمل ابهام آنها را نیز افزایش می‌دهد چرا که شناخت نظم‌های موجود در عالم و در نتیجه بهره‌مندی از آن قواعد باعث ایجاد روشن‌بینی در درک و تحلیل حوادث خواهد شد و در نتیجه امیدهایی در عرصه‌های مدیریتی مدیران ایجاد خواهد کرد. سنت‌های الهی دارای ویژگی‌هایی مانند استمرار، تکرارپذیری، تخلف‌ناپذیری و عمومیت داشتن است. سنت‌های الهی به واسطه داشتن چنین نشانه‌ها و ویژگی‌هایی که دارد برای مدیر، تولید مبنایی خواهد کرد که بر اساس آن امیدوارانه حرکت کند.

آموزه‌هایی مانند سنت‌ها در قرآن بر رفتار مدیران و خصوصاً تصمیم‌های آنها موثر خواهد بود که محوری‌ترین جلوه آن مدیریت امیدمحور و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. چنین مدیری در مقابل اتفاقات پیش‌رو منفعل نخواهد شد و همیشه دست برتر و بالاتر را خواهد داشت. کنش‌گری فعال بر اساس امید، رهاورد چنین بینشی است. او به واسطه داشتن چنین تصویر روشنی که به پشتوانه آیات روشن خدا از سنت‌ها دارد دچار سردرگمی، ابهام و ناامیدی نخواهد شد و در عوض مدیریت او سرشار از نشاط و امید به آینده خواهد بود. این اثر امیدهای صادق به پشتوانه آموزه‌های وحیانی است. چنین مدیریتی حرکت بخش و تحول‌آفرین خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. حامد مقدم، احمد (۱۳۷۹)، سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، دغدغه‌های فرهنگی، گردآوری و تنظیم متن: مرکز صهبا، تهران، موسسه ایمان جهادی
۵. صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۰)، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه و تحقیق دکتر سید جمال الدین موسوی اصفهانی، تهران، تفاهم.
۶. علوی، سید علی اصغر (۱۳۹۸)، آنچه در دانشکده مدیریت نیاموختیم، تهران، سدید.
۷. علی اکبری زنانی، حسن (۱۳۹۸)، جریان الربوبیه یا نظام سنن الهی در قرآن، به همت و تلاش محمد شامحمدی، تهران، حدیث عشق.
۸. قانع، احمد علی (۱۳۷۹)، علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۰. کرمی فریدنی، علی (۱۳۸۳)، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم، نسیم انتظار.
۱۱. مرادخانی تهرانی، احمد (۱۳۹۴)، سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۲. مشرفی، محسن، عقیقی، فاطمه (۱۳۹۸)، کتاب کار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، موسسه علمی آینده سازان.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية.